به یادش و به یاریش

بمناسبت روز فرهنگ عمومی

ابعاد و دامنه مفهومی که به عنوان «فرهنگ» می‌شناسیم، آنقدر عمیق و وسیع است که مشکل می‌توان آن را در قالب تعریفی مشخص و محدود گنجاند. با مراجعه به بحث‌های جامعه‌شناسان و صدها توصیف و تعریف از «فرهنگ» به طور کلی می‌توان دریافت که از ارزشها و اعتقادات و باورها گرفته، تا منش و خصائل و هنجارها و ادبیات و هنر و معماری، آئین‌ها و افسانه و اسطوره همگی ذیل مجموعه فرهنگ می‌گنجد. مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی یکی از کم تعریف‌پذیرترین مفاهیم است که گاه برخی آن را پدیده‌ای انسانی دانسته‌اند که همه پدیده‌های انسانی را در برگرفته و در مقابل طبیعت قرارش داده‌اند و گاه نیز صرفاً شامل بقایایی به حساب آورده‌اند که شامل همه چیزهایی می‌شود که نمی‌توان آنها را در مفاهیم سیاست، اقتصاد و دین جای داد. برخی از مؤلفان امروزی نیز برآنند تا فرهنگ را یک بعد همیشه حاضر از زندگی اجتماعی افراد بدانند. فرهنگ در واقع در چهار راه اندیشه و احساس قرار گرفته و آن را باید در حوزه اجتماعی، معادلی دانست برای نظام روانی احساسی که به غرایزها ساختار می‌دهد. بازنمایی و جهان بینی را برای ما ممکن می‌کند و میان امر واقعی و امر خیالی از میان نمادها، اسطوره‌ها، هنجارها، آرمان‌ها و ایدئولوژیها رابطه ایجاد می‌کند. به بیان ساده، فرهنگ، یک پدیده اجتماعی است که از سویی در تلاش انسانها برای پاسخگویی به نیازهای گوناگونشان پدید می‌آید و از سوی دیگر راهنمای فکر و عمل انسانها برای رفع نیازهایشان است.

● تعریف فرهنگ از دیدگاه مردم‌شناسی
در مردم شناسی دو اصطلاح « فرهنگ » و « تمدن » تقریباً به یک معنی و مفهومبه کاربرد ه می‌شود . ادوار تیلور مردم شناس انگلیسی ، نخستین بار د رسال ۱۸۶۵ میلادی، اصطلاح فرهنگ را در کتابش به نام پژوهش‌هایی در تاریخ ابتدایی نوع بشر و توسعه تمدن به کار برد و در سال ۱۸۷۱ میلادی ،آن را از دیدگاه اجتماعی و مرم شناسی در کتاب مشهور خود « فرهنگ ابتدایی » چنین تعریف و توصیف می‌کند «فرهنگ یا تمدن، مجموعه پیچیده ‌ای از معرفت، عقاید، هنر، اخلاقیات، قوانین، آداب و همه قابلیتها و عادات دیگری است که انسان، چون عضوی از جامعه آنها را می‌آموزد»
تعریف تیلور از فرهنگ در حدود ۱۳۰ سال پیش، تعریفی تازه و ابداعی بود. تا چند دهه پیش، بیشتر دانشمندان و محقّقان اجتماعی ، این تعریف را پذیرفته بودند ، به فرهنگ و مفهوم آن با دید تیلور می‌نگریستند. در نیم قرن اخیر ، بیش از ۳۰۰ گونه تعریف مختلف از فرهنگ و تلقینهای گوناگون از آن، دانشمندان و پژوهشگران اجتماعی را برآن داشته که هر گاه بخواهند در باره یک جامعه یا قوم و فرهنگ آن، کتابی بنویسند ابتدا تلقی و برداشت خود را از مفهوم فرهنگ روشن کنند.
باز به تعبیری به طور کلّی می‌توان گفت، فرهنگ همه فعالیتها و صورتهای رفتار غیر غریزی انسان است که از راه آموزش کسب و در «همنوایی » با « هنجارهای » پذیرفته در جامعه برای حفظ بقا ادامه نسل و نظم امور اجتماعی « انگاربندی » شده است . به عبارتی دیگر، فرهنگ ، همه « نهادها، فنون، هنرها، رسوم و سنتها ادبیات و اعتقادات یک قوم را که در جریان آموزشی گوناگون از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد ، در بر می‌گیرد . با این تعریف ، می توان فرهنگ را « میراث اجتماعی » با پیوند ها و همبستگی های قومی در یک جامعه دانست .
نخستین بار ، آمبرویز مورتن در سال ۱۸۸۵ میلادی ، آثارباستانی و ادبیات عامه را «folk\_lore » نامید، یعنی دانش عوام، در آلمان ،هلند و کشورهای اسکاندیناو، لغت «volksund » معادل آن را پذیرفتند . اما در کشورهای لاتینی زبان ، ابتدا مقاومت بیشتری نشان دادند و پس از کشمکشها و وضع لغات بالاخره به این نتیجه رسید که فولکلر جامع‌ترین لغتی است که شامل تمام دانش عوام می‌شود. و مشتقات ایت لغن را وارد زبان خود کردند .
فرهنگ عامه در ایران برگردانی برای واژه «فولکلور» (Folklor) است که امروزه  بحثی مهم در مردم‌شناسی به شمار می‌رود. البته این واژه به واقع بازسازی واژه «انتولوژی» (Anthology) بوده است که در زبان‌های اروپایی به خصوص فرانسه کاربرد داشته و در حال حاضر نیز این واژه که واژه‌ای مرسوم در علوم به معنای «مردم‌شناسی» است در انگلستان جای خود را به واژه انسان‌شناسی اجتماعی(Social anthropology) و در امریکا (Cultural anthropology) داده است و واژه فولکلور چندان واژه‌‌ای مرسوم در این کشورها نیست. امروز واژه فولکلور بیشتر به معنای دانش غیرنخبگان در تاریخ انسان‌شناسی مطرح می‌شود و رابطه نزدیکی با واژه‌هایی همچون Pop culture و Popular Calture به لحاظ معنایی دارد.

در حدود ۶۰ سال است که فولکلر به مفهوم و معنای غربی آن در فرهنگ و زبان و ادب ما راه یافته است . از آغاز نخستین سالهای قرن چهاردهم ه . ش تنی چند از نویسندگان ، دانشمندان و پژوهشگران ایرانی با آگاهی از فرهنگ و زبان غربی و آشنایی با فرهنگ عمومی در غرب و چگونگی شیوه و روش غربیها در تحقیقات فرهنگ عامه ، این دانش جوان را وارد ادبیات ایران کردند. این نویسندگان، هر یک به ذوق وسلیقه خود، معادلی فارسی در برابر واژه انلگلیسی «فوکلر » مانند: فرهنگ عامه ، فرهنگ عوام ، فرهنگ عامیانه ، فرهنگ مردم ، دانش عامه ، ادب عامه ، دانش مردم ، دانش توده‌ها وضع و معرفی کردند.

ظاهراً اصطلاح فرهنگ عامه را نخستین بار ، مرحوم « رشید یاسمی» استاد دانشگاه تهران مقابل کلمه فولکلر برگزیده و بکار برد . رشید یاسمی در سخنرانی خود به تاریخ اسفند ماه ۱۳۱۴ خورشیدی، درباره مفهوم فولکلر و موضوعاتی که این علم ، تحقیق و بررسی می‌کند و نیز لزوم جمع‌آوری «افسانه‌ها ، ترانه‌ها ، عادات، آداب و اخلاق می‌نویسد : «طبقات عالیه و افراد تحصیل کرده غرب ، معلومات و فرهنگ طبقه روستایی و عوم را که تا آن زمان چندان محل اعتنا نبود ، گرد کردند و از مجموع آن ، علم جدیدی پیدا شد موسوم به فولکلر یعنی فرهنگ عامه و این معنی ، ترجمه تحت الافضلی دو کلمه انگلیسی «فولک و لر » است که از سال ۱۸۴۶ میلادی ، درست ۹۰ سال قبل (۱۳۹ سال قبل ) بنیان آن نهاده شده است .

او می گوید که علمای همه ملتهای اروپا بویژه انگلیس و آلمان آگاه شدند که تمدن هر قوم ، صد برابر آنچه در صفحات کتب ثبت می‌شود در افواه و قلوب مردمان محفوظ است که از نسلی به نسلی ، آن را انتقال می‌دهند . البته آنچه در سینه مردمان ، حفظ می شود ، دستخوش خیال و وهم آنان می‌گردد و در طول زمان و کثرت انتقال، صورت اصلی را تغییر می‌دهد و جزء افسانه و قصه محسوب می‌شود . اما قصه را نباید خوار شمرد . همیشه هسته و لب آن مطابق واقع است . پیرایه ها تفاوت می کند.

همچنین ، از موضوع کلی مورد تحقیق فولکلر و رابطه آن با دانشهای دیگر یاد می‌کند و می نویسد : این علم که وارد تحقیق احوال روحی اشخاص و دیگر صنایع آنها ، رسوم ، عقاید، ادبیات فرد و جمعیت می شود در واقع موضوعش با موضوعات چند علم دیگر تماس دارد. از آن جمله معرفه الانفس ، اقتصاد ، ادبیات ، صنایع علم ادیان ، فقه اللغه ، تاریخ ، جغرافیا و مانند آنها با این تفاوت که مخاطب و مخاطب فولکلر نامعین و نامشخص است و در سایر علوم ، این دو چیز کاملاً معلوم است. مثلاً در ادبیات ، ما شاعر را می شناسیم و طرف خطاب او را هم می دانیم . اما اشعار عامیانه ، گوینده و مخاطب خاصی ندارد. از مردم برآمده و به عامه خطاب شده است.

زمانی که محمد علی فروغی در سال ۱۳۱۴ ه ش . فرهنگستان ایران را بنیاد نهاد ، اعضای آن ، نظر به اهمیت فولکلر که به کوشش چندین تن از دانشمندان و نویسندگان اهمیت آن شناسانده شده بود، بررسی و گرد هم آوری آن را رسماً جزیی از کارهای فرهنگستان شناختند و واژه فارسی توده شناسی را در برابر فولکلر وضع وآن را علم به عادات و رسوم توده مردم و مجموع افسانه ها و تصنیفهای عوامانه تعریف وتوصیف کردند.

یکی دیگر از تصمیمات آغازین فرهنگستان ایران، تدوین و تصویب اساسنامه ، مؤسسه مردم‌شناسی ایران در سال ۱۳۱۶ ه. ش بوده و این اساسنامه، موسسه مردم‌شناسی با دو شعبه نژاد‌شناسی ( اتنولوژی ) و توده‌شناسی (فولکلر ) برای گردآوردن اطلاعات دقیق و اسناد حسی نسبت به اقوامی که در کشور ایران ساکن بوده و هستند و تحقیق کیفیت زندگانی مادی و معنوی آنان از لحاظ مردم‌شناسی ( انتروپولوژی ) بنیاد گذاشته شد.

این مؤسسه در مهرماه همان سال ، زیر نام بنگاه مردم‌شناسی تأسیس شد و وظیفه گردآوری ، بررسی و نگاهداری فرهنگ عامه ایران را در سراسر نقاط کشور به عهده گرفت . در همان دهه‌های نخستین قرن چهاردهم، کسان دیگری مانند: حسین کوهی کرمانی ، عباس شوقی ، علی اکبر دهخدا، امیرقلی امینی و...با همت و علاقه و پشتکار به بررسی فرهنگ و ادب توده مردم‌گردآوری و انتشار صورتهایی از فرهنگ عامه ایران پرداختند .

در مجموع می‌توان گفت: «فرهنگ عمومی عبارت است از محموعه منسجم و نظام یافته‌ای از اهداف، ارزشها، عقاید، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به یک جامعه بزرگ، قوم یا ملت»بنابراین فرهنگ عمومی، شامل تمامی فعالیتهای مبتنی بر اندیشه و عادت است که در جهت برآوردن نیازهای بشری بسته به انواع جوامع از نظر تاریخی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی، رفتارهای عمومی مردم را شکل می‌دهد. همه انسانهایی که از گذشته‌های دور تا کنون در اقصی نقاط دنیا زندگی کرده‌اند؛ فرهنگ داشته‌اند. پس فرهنگ یک پدیده عام است و هیچ گروه یا فردی در جامعه انسانی نمی‌توان یافت که فرهنگ نداشته باشد؛ اما از آنجایی که اقوام و جوامع مختلف به نحوه یکسانی در برآوردن نیازهای خود و برخوردشان برای رفع نیازها یکسان نبوده است، طبیعتاً فرهنگ خاص خود را ساخته و پرداخته‌اند و از این رو است که در جوامع مختلف، تنوع فرهنگی به چشم می‌خورد. لیکن در یک جامعه بزرگ، قوم یاملت، بسیاری از ارزشها، باورها، هنجارها، معیارها و الگوهای رفتاری هستند که گذشته از تکثر فرهنگی قومیتهای مختلف جامعه، جنبه عام داشته، همگان آن را پذیرفته‌اند و در یک کل اجتماعی از آن پیروی می‌کنند. همین جنبه‌های عام در یک جامعه بزرگ یا ملت را به عنوان «فرهنگ عمومی» آن جامعه می‌توان مورد مطالعه و بررسی قرار داد. شخصیت اجتماعی مردم یک جامعه در فرهنگ عمومی آن خلاصه می‌شود و اهداف و کیفیت و مسیر حرکت به سوی تعالی با زوال و عقب افتادگی آن تحت تأثیر فرهنگ عمومی است. لذا اهمیت شناخت و بررسی فرهنگ عمومی برای ارتقاء و تحول آن در مسیر رشد و توسعه، آشکار می‌شود. بسیاری از پژوهشگران برای واکاوی فرهنگ عمومی و اصلاح و برنامه ریزی آن ابتدا به بررسی دقیق آن از طریق کارکردهای سطوح و لایه‌های مختلف فرهنگ می‌پردازند. زیرا فرهنگ از سطوح مختلفی مشتق شده است. برخی از این مشتقات در یک نظام فرهنگی، پایه‌ها و ریشه‌های فرهنگ عمومی را می‌سازند. این بخش را لایه زیرین مجموعه می‌نامند که دیگر سطوح و لایه‌ها بر آن قرار دارند. می‌توان گفت که جهان بینی‌ها و شناخت شناسی در این سطح قرار دارد که ریشۀ بسیاری از باورها، اعتقادات و ارزشها را به عنوان لایه بعدی فرهنگ تشکیل می دهند. سطح بعد، آئین‌ها، هنر و ادبیات است که لایه بعدی را تشکیل می‌دهند و بر پایه باورها، اعتقادات و ارزشهای یک جامعه استوارند. لایه بعدی که بیرونی‌ترین و آشکارترین سطح است، هنجارها و الگوهای رفتاری و معیارهای اجتماعی در یک جامعه مورد مشاهده و بررسی است.

فرهنگ به خودی خود پدیده‌ای پویاست و وجه انتقال میراث‌گونه آن به هیچ عنوان به معنای صلبیت آن نیست. از همین رو فرهنگ‌شناسان همواره با بررسی حرکت فرهنگ روبرو بوده‌اند و از همین روست که کار فرهنگ‌شناسی و مطالعه فرهنگ‌ها پایانی ندارد. این حرکت و انتقال که در بستر زمان و تحت تاثیر عوامل بسیار متعدد رخ می‌دهد، توجه دولت‌ها و حکومت‌ها را به خود جلب کرده است و تلاش‌های پیدا و پنهان در همه حکومت‌ها برای سیاستگذاری با هدف جهت‌دهی به فرهنگ عمومی صورت می‌گیرد که بدون تردید یکی از ابزارهای اجرایی مهم و قدرتمند این سیاست‌ها رسانه‌های متنوع هستند. فارغ از اینکه دستکاری فرهنگی، مهندسی فرهنگی و تلاش برای فرهنگ‌سازی را چگونه باید فهمید و تحلیل و ارزیابی کرد، جهان امروز از سویی شاهد مداخله در مسیر حرکت فرهنگ‌ها توسط نهادها و از سویی مسالۀ اجتناب‌ناپذیر مواجهه فرهنگ‌ها با یکدیگر است.

بی شک فرهنگ عمومی چنان قدرتمند است که همه ابعاد وجود اجتماع و فرد را تحت تأثیر خود قرار می دهد. این نیروی قدرتمند در سه سطح فرد،‌ خانواده و اجتماع نقش بی بدیلی دارد. فرهنگ عمومی قابیلت آن را دارد که چنان حضور و ظهور و بروزی پیدا کند که با سرنوشت یک ملت سر و کار پیدا کند. در ایران 14 آبان ماه به جهت اهمیت این موضوعات روز فرهنگ عمومی نامگذاری شده است.